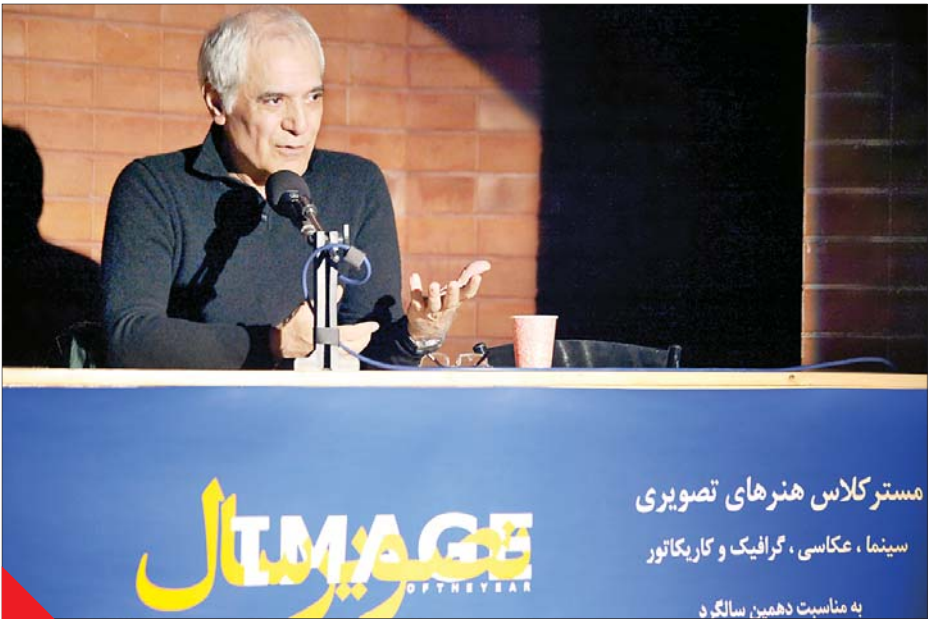


توصیه عکاسانه «محمود کلاری» در نهمین مستر کلاس «تصویر سال»:

محیط اطراف تان را به صورت عکس ببینید

سحر آزاد



محمود کلاری، دهمین مستر کلاس

اطرافم عکس می گیرم» او که در سال ۸۱ نیز نمایشگاهی از عکس‌های «فروپاشی دیوار برلین» برگزار کرده، خطاب به شرکت‌کنندگان در این مسترکلاس‌ها گفت: «هنکه مهمی که به‌عنوان وصیت به شما پیشنهاد می‌کنم این است که عکاسی چالش عجیب و غریبی برای تمرین‌های ذهنی است و لازم است ذهنتان را آماده کنید تا به تدریج به یک اندیشه بصری برسید و پیرامون خود را به صورت عکس ببینید».

کلاری به کسانی که دوست دارند مسیر درستی را در فیلمبرداری طی کنند، ابراز کرد: «تفاوتی ماهوی میان عکاسی و فیلمبرداری نیست. برای همین ذهن و اندیشه خود را از نظر بصری فعال کنید. هر دریافتی که در فیلمبرداری در ذهن شکل می‌گیرد به دلیل پیشینه عکاسی‌ام است.» در ادامه صمدیان بحث دیجیتال را مطرح کرد و از کلاری خواست دراین‌باره صحبت کند. فیلمبردار فیلم‌های «سربازهای جمعه»، «جنایی نادر از سینما» و «هر روی کاج‌ها» نیز گفت اولین کسی بوده که به دیجیتالی روی آورده است. او از اینکه دیگر نگاتیو در سینمای امروز جایی ندارد، ابراز دلنگنی و ظهور عکس را «لحظه جادویی» عنوان کرد: «نگاتیو در عکاسی، جادویی خیلی عجیب و غریب داشت؛ چون باید پروسه زمانی طولانی‌ای را طی می‌کرد تا چاپ شود. بعد از یک نصفه روز وقتی عکس‌ها در تاریخانه شکل می‌گرفت، به جادویی تبدیل می‌شد که از فاصله گرفتن تا دیدن عکس، فرصت فکر کردن داشتید و این همان فرصتی بود که دیجیتال از آدم می‌گیرد».

کلاری همچنین از اینکه دیجیتال خیلی از مفاهیم دنیای گذشته را تغییر داده است، اشاره جزیی به بحث تولید در سینمای ایران کرد: «تولید در سینمای ایران خیلی جدی است و نمی‌دانم چرا کسی به آن فکر نمی‌کند. برخی از تولیدها بریز و پاش هستند که معمولاً کارهای دولتی‌اند و بوجه‌هایشان از جاهای خاصی می‌آید و برخی از تولیدها با رفتاری مالی زیادی صورت می‌گیرد منتها مشکل، بضاعت تولید نیست بلکه مفهوم تولید در سینمای ما مهم است چون با همین مشکلات، فیلم‌هایی داریم که قابل رقابت با آثار خارجی هستند».

در بخش دیگر این برنامه برخی از عکس‌های کلاری که اولین آنها مربوط به سال ۵۳ در میدان توپخانه بود، نشان داده شد و کلاری به توضیح درباره برخی از آنها پرداخت. در یکی از این عکس‌ها زنی میانسال نمایش داده شد. صمدیان پس از نمایش این عکس گفت: «این زن، خاله حسنی نام داشت که کشف محمود بود و بعدا فهمیدیم کل مراسم تعزیه دولت‌آباد را او کارگردانی می‌کند.» در ادامه، فیلمبردار فیلم‌هایی چون «فرمز»، «سوی کافور، عطر یاس» و «بید مجنون» عکسی از روزهای پیروزی انقلاب را نشان داد و آن را به روزهایی که مشغول عکاسی خبری بوده‌است، نسبت داد و اظهار کرد: «هیچ وقت عکاس خبری خوبی نمی‌شدم چون ذهنم در گیر موضوع‌های مختلفی بود و به چیزی غیر از واقع‌گرایی توجه داشتم».

کلاری درباره حضور آدم‌ها در عکس‌هایش که این روزها کمتر به آن می‌پردازد، گفت: «روزگاری بود که تمام توجهم به آدم‌ها بود. برای همین هم در اولین نمایشگاهم یک سال پیش از انقلاب، به موضوع تنهایی آدم‌ها پرداختم اما این روزها چون فرصت عکاسی در فضاهای عمومی پیش نمی‌آید، از محیط‌های

عکاسی می‌کنی، با دوربین فیلمبرداری انجام بده. با همه اینها فکر نمی‌کردم به این نقطه برسم و حتی به این شکل. می‌گویم به این شکل چون تاکنون کارهایی را که دوست داشتم‌ام، انجام داده‌ام البته کارهایی هم بوده‌اند که دوست نداشتم‌ام ولی در هر شغل حرفه‌ای این مساله وجود دارد».

کلاری افزود: «وقتی به پشت سرم نگاه می‌کنم، دو نکته به یادم می‌آید. یکی، همین موضوع تعداد فیلم‌هاست که به آن اشاره کردم. نکته دیگر اینکه در خانواده‌ای به‌دنیا آمدم که اصلاً دوربین عکاسی معنا نداشت حتی عموها، خاله‌ها، همسایه‌ها و دوستانی نداشتم که به مناسبتی دوربین عکاسی بیاورند و ما عکس بگیریم».

او با مقایسه اینکه امروزه بچه‌ها از کودکی با دوربین

عکاسی آشنا هستند، از اولین خاطراتش از برخورد با دوربین عکاسی گفت: «وقتی عمویم می‌خواست ازدواج کند، به لاله‌زار رفت تا به همراه همسرش عکس بگیرد. من هم با آنها رفتم و مجبورشان کردم که از من هم عکس بگیرند. ببینید ما در چه فضایی بودیم و چقدر با الان فرق دارد».

«محمود کلاری» در نهمین روز برگزاری دهمین جشن تصویر سال به تجربه‌هایش از عکاسی تا فیلمبرداری پرداخت. این فیلمبردار و عکاس از روزهایی گفت که زمان بین عکس گرفتن تا چاپ آن، جادویی بود که فرصت فکر کردن را به عکاس می‌داد ولی سرعت زندگی امروزی به حدی رسیده که فرصتی برای هیچ چیز باقی نمی‌گذارد، چه رسد به مجالی برای ظهور چندساعته‌عکس.

مستر کلاس‌های جشن تصویر سال که هر روز با حضور یکی از چهره‌های هنرهای تصویری در خانه هنرمندان برگزار می‌شود، دیروز، ۲۱ اسفند به محمود کلاری اختصاص داشت. هرچند این کلاس قرار بود ساعت ۱۰ صبح برگزار شود اما تقریباً با یک ساعت تأخیر و با این توضیح سیف‌الله صمدیان، دبیر جشن آغاز شد: «صبح از محمود خواستیم عکس‌هایش را هم بیاورد و به همین دلیل کلاس دیرتر شروع شد.» بعد از دقایقی صمدیان با شوخی‌های

همیشگی‌اش فضایی صمیمی را در کلاس ایجاد کرد و گفت که می‌خواهد با نقل یک داستان از کسی که قرار است صحبت کند، سخن بگوید: «یک روز عمو جان، لقوبی که به جعفری‌جوانی خطاب می‌شود، در موزه هنرهای معاصر به عکس‌های متفاوتی برخورد و وقتی عکاس آن را پیدا کرد از او پرسید چرا با همین نگاه فیلم نمی‌گیری؟» صمدیان سپس از شروع اولین کار کلاری که در سال ۶۴ با فیلم «جاده‌های سرد» جوانی شروع شد تا به امروز که فیلمبرداری ۶۵ فیلم را انجام داده است، رسید. پس از آن نوبت به کلاری رسید. او که به‌تازگی فیلمبرداری فیلم «گذشته» به کارگردانی اصغر فرهادی را در فرانسه به پایان رسانده، با اشاره به اینکه حرف‌های صمدیان او را به سال‌های گذشته برده است، گفت: «گاهی فکر می‌کنم - قعیلم، کمی عجیب است حتی برای آدمی مثل خودم - که روزگاری که وارد این حوزه شدم فکر می‌کردم سالی یا ماهی یک فیلم کار خواهم کرد.» او با بیان این مطلب از اولین تجربه خود در فیلمبرداری گفت: «وقتی جوانی از من خواست که وارد فیلمبرداری شوم، گفتم تجربه خاصی ندارم و او گفت همان کاری را که با دوربین

تماشاخانه

رضا ثروتی... «ویتسک»... من و اشک‌هایم!



مینو فرشچی

● جوان نازنینی به من تلفن زد و با صدای مهربان و لحنی مودب خود را مسئول روابط عمومی نمایش ویتسک به کارگردانی «رضا ثروتی» معرفی کرد و مرا برای دیدن تئاتر جدید رضا ثروتی (ثروت تئاتر ایران) دعوت کرد. آنقدر خوشحال شدم که به‌گمانم از فرط شادمانی فریاد کوتاهی هم کشیدم شادم دلایل متعددی داشت که بزرگ‌ترینش، پویایی یک گروه جوان تئاتری و خستگی‌ناپذیری آنها برای خلق ساعتی متفاوت با ساعات متداول روزگار ما بود. از رضا ثروتی قبلاً هم نمایش حیرت‌انگیز «هکیت» را دیده بودم و از دیدن آن شضع زایدالوصفی به من دست داده بود پس می‌دانستم که با چه کسی طرفم، برای همین با کله به دیدن نمایش «ویتسک» رفتم و چه خوب کاری کردم! وارد تالار انتظار که شدم انرژی جوانانی که برای تماشای تئاتر آمده بودند سر و صورتم را ناخوت، این همه نیروی جوان و درنده‌هایمان که برای مشارکت در یک واقعه فرهنگی جمع شده بودند حس غرورم را کلاً به حالت آماده‌باش درآورده بود، احساس سربلندی می‌کردم، خدایا بچه‌های ما در زمانه‌ای که انجام آسان‌ترین کارها نیز با رنج و سختی توأم شده، وقت عزیز خود، بخشی از پول توجیبی و دسترنجشان را صرف تماشای تئاتر می‌کنند. وای که کتب حضور این شکوفه‌های بهاری چه حس غنا و رضایی را برمی‌انگیزد. حس یک باغبان خوشبخت را داشتم که به تماشای باغش نشست! درها را باز کردند و با نظم قابل‌قبولی ما را به داخل تالار نمایش راهنمایی کردند، حتی ورود به تالار نیز به نظم شبیه به سماع بود، انگار می‌چرخیدیم و پیش می‌رفتیم تا به جایگاهمان برسیم. جای من در بالاترین ردیف نیمکت‌ها بود، از پله‌ها بالا رفتم و درست در میانه آن ردیف سر جایم نشستم و به صحنه و جایگاه تماشاگران مقابل رویم خیره ماندم. آدم‌ها روی نیمکت‌ها می‌نشستند و هنوز دور و بر من خالی بود... به‌نظرم آمد من بازیگر این نمایش هستم و وسط صحنه نشستم‌ام عبور گروه‌های سنی مختلف، سال‌های عمرم را به من می‌نمایاند. ۱۸ سالگی... ۲۰ سالگی... ۲۴... ۲۸... ۳۰... همه را دیدم، این سال‌ها به همین سادگی گذشته بودند... و هنوز دور و برم خالی بود، چشم‌هایم پر شد! نمایش درست سر بزنگاه شروع شد و گرنه... شروع زیبای نمایش، با ظرافت، توجهم را به سوی خود کشید و همانجا نگذاشت، وارد دنیای نویسنده و شخصیت‌ها شدم و مبهوت از اجرای موزون و هماهنگ بازیگران، طراحی صحنه و لباس حیرت‌انگیز، قصه جذاب و دیالوگ‌های به‌یادماندنی، حس سرمستی غریبی را تجربه کردم. نمایشی را دیدم بسیار حرفه‌ای و خوش‌ساخت، آنها که با دنیای نمایش آشنایی دارند با «کارل گنورگ بوشنر» بیگانه نیستند اگرچه در نتیجه عمر کوتاهی که داشت فقط چهار اثر (سه نمایشنامه و یک داستان کوتاه) از او باقی مانده که البته اگر کل طول زندگی ۳۴ سال باشد این تعداد خیلی هم کم نیست اما مهم‌تر از تعداد آثار، ماندگاری آنهاست. نمایشنامه ویتسک را با تالو مقایسه می‌کنند یعنی با یکی از برجسته‌ترین آثار نویسنده برجسته‌ای چون شکسپیر. عشق و خیانت، دسمال و گوشواره و بسیاری مشترکات دیگر بین این دو متن نمایشی آنها را تداعی گر یکدیگر می‌کند. ویژگی نوشته‌های بوشنر پرداختن به تراژدی واقعی توده فرودست جامعه است، مردم عادی و کوچک با مشکلات بزرگ، و ویژگی رضا ثروتی بزرگ کردن هر اثری است! نمایش با انرژی صمیمانه و تأثیرگذار جوان‌های عزیز به پایان رسید، تماشاگران تئاتر که همیشه خودشان احترام‌برانگیز هستند به احترام این جوان‌ها بایستادند و به تشویق آنها پرداختند. دور و بر من دیگر خالی نبود و من از شوق گریه کردم.

رویداد

ایران اسکار «آرگو» را پیگیری حقوقی می‌کند وکیل فرانسوی شکایت ایران از هالیوود، در تهران

● شرق: «یزابل کوتان پیر» وکیل فرانسوی که به دفاع از حقوق فلسطینیان شهرت دارد، برای تقبل پرونده شکایت ایران از هالیوود به تهران آمد. پس از تصویرسازی‌های غیرواقعی و تحریف‌های متعدد هالیوود در سال‌های اخیر علیه ایران، «یزابل کوتان پیر»، وکیل بین‌المللی شامگاه ۲۰ اسفند به تهران آمد تا مسوولیت پرونده شکایت حقوقی علیه فیلم‌های غوغاآلوده هالیوود را برعهده بگیرد. گفتنی است وی که یک فعال ضدصهیونیست است، مجله A Contre nuit متعلق به اوست. «یزابل کوتان پیر» در سال‌هایی که روزگارودی تحت فشارهای زیاد بود از وی با جدیت دفاع کرد. وی به دعوت «همایش بین‌المللی شعبده هالیوود» (The hoax of Hollywood) به تهران آمده است و شب گذشته (۲۱ اسفند) در سالن سینما فلسطین برای اولین بار راجع به ابعاد این پرونده حقوقی سخن گفت. همچنین دفتر عضو اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌جویان مستقل در بیانیه‌ای نسبت به تصمیم وکیل فرانسوی «یزابل کوتان پیر» در پیگیری شکایت ایران از هالیوود، اعلام حمایت کردند. در قسمتی از این بیانیه که به زبان انگلیسی نیز ترجمه شده است، آمده است: «انتخاب فیلم ضد ایرانی «آرگو» در سال ۲۰۱۳ یک حمله تبلیغاتی علیه ملت من از یک سو و تمامی بشردوستان عالم از سوی دیگر است که با اولین دستور منشور ملل متحد، بند (۳) از ماده ۱ آن، کنواسیون حفاظت از میراث فرهنگی معنوی و بسیاری از اسناد بین‌المللی دیگر مغایر است».

Life's Good

پاسخگویی ۲۴ ساعته خدمات ما روز و شب نمی شناسد!

00:00

شرکت خدمات گلدیران

اولین شرکت خدماتی در زمینه خدمات پس از فروش لوازم خانگی، صوتی تصویری و سیستم های تهویه مطبوع می باشد که موفق به دریافت گواهینامه رعایت حقوق مصرف کنندگان برای ۶ سال متوالی و تندیس طلایی حقوق مصرف کنندگان برای چهارمین سال متوالی گردیده است.

برای نهمین سال متوالی ۲۴ ساعته و بدون تعطیلی حتی در ایام نوروز با شما خواهیم بود.



۰۲۱-۸۴۷۳۳۳۳ www.goldiran.ir

Pink Service ارائه خدمات توسط زوج تکنسین (تهران)

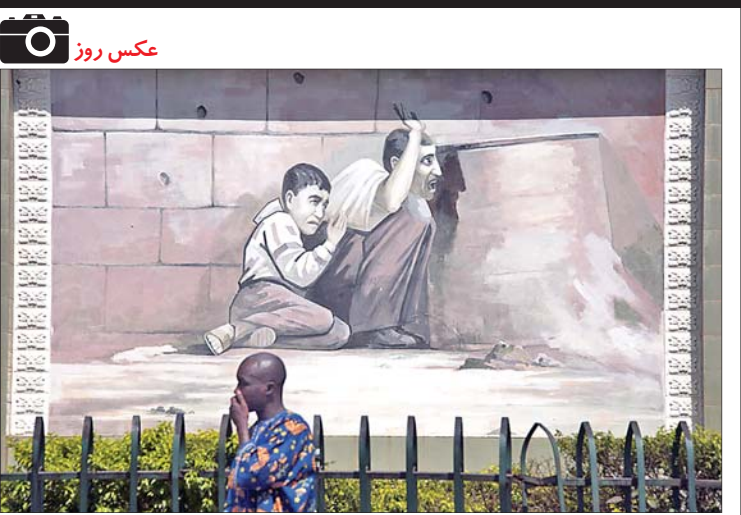
گلدیران ضمانت خرید شمایست

گزارش روز

تجمع هنرمندان تئاتر در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد

وعده پرداخت تا ظهر امروز داده شد

● شرق: «در کدام صنفی، از کارگران گرفته تا پزشکان کار می‌کنند و یک‌سال بعد حقوقشان را آن هم با هزار مصیبت دریافت می‌کنند؟» این سوالی است که یکی از ده‌ها هنرمند تئاتر که یکشنبه ۲۱ اسفند در اعتراض به پرداخت نشدن دستمزدهایشان در حیاط مرکز هنرهای نمایشی تجمع کرده بودند به «شرق» گفت. به گفته این هنرمندان سهم اجرای تئاتر در ایران از همه بودجه چند صدمیلیاردی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سهمیلیاردتومان است که آن هم به موقع پرداخت نمی‌شود، البته این هنرمند و هنرمندان دیگر این سوال مهم را مطرح کردند که تا کی قرار است تئاتر به عنوان یک شغل مورد تأیید قرار نگیرد. هنرمندانی که یک‌سال پیش روی صحنه رفته‌اند و هنوز دستمزد اجراهایشان را نگرفته‌اند. بعضی از این هنرمندان مبلغی نزدیک به سه تا شش میلیون از اردیبهشت ۱۳۹۱ طلبکار هستند و هنوز قرارداد تیب پرداخت نشده که آنها بتوانند این مبلغ را دریافت کنند مبلغی که حتی اگر براساس قول مسوولان مرکز هنرهای نمایشی تا چند روز آینده پرداخت شود با توجه به رشد ۳۱درصدی تورم مشکلی را از آن هنرمند حل نمی‌کند. مساله عدم پرداخت حقوق به هنرمندان تئاتر، مشکلی است که در چند سال گذشته وسعت بیشتری گرفته است و دو سال گذشته نیز سفره نرورزی هنرمندان خالی از دستمزدها بود. در همان زمان حمید شاه‌آبادی، معاون هنری وزیر فرهنگ و ارشاد



بازدیدکننده‌ای در حال عبور از مقابل یادمان جمال و محمد البرّه در مرکز شهر باماکو است. محمد البرّه نوجوان ۱۲ساله فلسطینی بود که در سال ۲۰۰۰ در منطقه «نتساریم» در نوار غزه در تبادل آتش میان نیروهای دفاعی اسرائیل (IDF) و شبه‌نظامیان فلسطینی به شهادت رسید.

عکس: AFP